



هشت مارس ۲۰۲۳ و سیاست خرده بورژوازی

مسموم کردن دختران دانشجو و دانش آموز، جنایت دولتی است.

هشت مارس ۲۰۲۳، روز جهانی زن، در شرایطی برگزار شد، که زنان کارگر، زحمتکش و آزادیخواه ایران مبارزات حماسه آفرینی را در بازپس گرفتن آزادی‌های پایمال شده‌شان، همدوش برادران و پدران خود به پیش برده‌اند. روزهایی که مشت گره کرده زنان



مطلق مردم، تعبیه شده است. در مراکزی که تصاویر این دوربین‌ها را کنترل می‌کنند، متخصصین می‌توانند در عرض چند دقیقه افراد مظنون به یک حادثه‌ای را شناسایی، تعقیب و دستگیر کنند. ولی اکنون مدت سه ماه است که مسموم کردن دانشجویان و دانش آموزان دختر، هر روز قربانی می‌گیرد ولی <صفحه ۲

مسموم کردن دختران دانشجو و دانش آموز فقط انتقام رژیم فاشیستی ایران از زنان مبارز کشورمان نیست، بلکه یک ضرورت اقتصادی رژیم منهوس جمهوری اسلامی نیز هست. در این کشور در هر خیابان، کوچه، کارخانه، مدرسه، مؤسسه دولتی و غیره... از سوی دولت، دوربین‌های مدار بسته برای کنترل

قهرمان این سرزمین به آسمان می‌کوبید و بنیان سرمایه داری ایران را میلرزاند، لحظات بی نظیری در تاریخ کشورمان بود که توجه جهانیان را به خود جلب نمود. میلیاردها نفر به پشتیبانی برخاستند، میلیون‌ها نفر از هراس گسترش این جنبش به لانه‌ها خزیدند و رهبران جنایت کار وابسته به کنسرن‌های بین‌المللی کشورهای مختلف هم جهت استفاده تاکتیکی از آن، چاپلوسانه به مجیزگوئی پرداختند. <صفحه ۲

کنفرانس مونیخ

از ۱۷ تا ۱۹ فوریه ۲۰۲۳ در شهر مونیخ آلمان کنفرانسی با شرکت ۹۰ وزیر و ۴۰ رئیس دولت کشورهای مختلف بدون حضور روسیه و ایران برگزار گردید. هدف ظاهری این کنفرانس متحد کردن کشورهای غربی علیه روسیه و ارسال هرچه بیشتر تسلیحات سنگین به اوکراین، شکست روسیه و تأمین امنیت اروپا بود. هدف واقعی برگزاری این کنفرانس علاوه بر تسریع تضعیف روسیه، تجزیه آن و محاصره چین، چپاول هر چه سریع تر و همه جانبه‌تر ثروت نقد موجود در کشورهای اروپایی توسط آمریکا نیز بود. بیشترین نقدینه جهان در دپوهای کشورهای اروپایی مثل آلمان، فرانسه، انگلیس، ایتالیا و... <صفحه ۴

زلزله و سرمایه‌داری

زلزله یک حادثه طبیعی است که به دگرگونی بخش‌هایی از طبیعت می‌انجامد. زمانی که زلزله در اقامتگاه انسان حادث می‌گردد و محل سکونت و بنیان‌های زندگی عادی انسان‌ها را ویران می‌سازد و از هم می‌پاشد، از ویرانگری زلزله صحبت می‌کنیم. به بیان دیگر، زلزله در طبیعت دگرگونی ایجاد می‌کند و این دگرگونی در محل زندگی انسان‌ها ویرانی نام می‌گیرد.

انسان در طول تاریخ همیشه در همه جای دنیا با زلزله دست و پنجه نرم کرده است. تا اواسط دوران فئودالیسم که بشر هنوز قادر به استثمار طبیعت نبود بلکه در جریان استثمار انسان از انسان از طبیعت سود می‌جست و به طبیعت سود می‌رساند، خرابی ناشی از زلزله فقط همین دگرگونی‌های طبیعی در زندگی ساده انسانی بود. <صفحه ۶

پرولتاریا در مبارزه علیه نفوذ ایدئولوژیک و سبک کار خرده بورژوازی سلاحی جز انتقاد و انتقاد از خود ندارد. فقط و فقط با استفاده دائم از این سلاح، جنبش کمونیستی قادر می‌گردد حزب راستین کمونیستی طبقه کارگر را ایجاد نماید.

طبقه کارگر در سطح ملی و بین‌المللی زمانی به پیروزی‌های درخشانی نائل آمده است که با استفاده درست از سلاح انتقاد و انتقاد از خود سبک کار و ایدئولوژی خرده بورژوازی را از صفوف خود زوده است.

گر بدین‌سان زیست باید پست

گر بدین‌سان زیست باید پست
من چه بی‌شرمم اگر فانوس عمرم را به
رسوایی نیاویزم
بر بلند کاج خشک کوچی بن بست.
گر بدین‌سان زیست باید پاک
من چه ناپاکم اگر ... <صفحه ۹

تحریف تروتسکیستی رویدادهای تاریخ

نویسنده: علی رسولی
ادامه
آخرین گفتار بوخارین: «منطق خالص مبارزه، همراه است با تغییر ماهوی ایده‌ها، تغییر ماهوی روانی ... بدین طریق به نظر می‌رسد که به احتمال قوی، هر کدام از ما، که روی این نیمکت <صفحه ۸

نکاتی درباره منشور مطالبات حداقلی تشکلهای مستقل صنعی و مدنی ایران

در ۲۵ بهمن ۱۴۰۱ منشوری با امضای ۲۰ سازمان مستقل کارگری، فرهنگ، مدنی انتشار یافت که با سرعت مورد پشتیبانی بسیاری از زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی قرار گرفت. <صفحه ۷

مسموم کردن دختران دانشجو و دانش آموز، جنایت دولتی ست

فقط در چند روز اخیر به صحنه سازی پرداخته و در بعضی شهرها عده‌ای را دستگیر کرده و از آن‌ها اقرار گرفته‌اند. کاری که ۴۴ سال است رژیم برای رد گم کردن انجام می‌دهد. ولی این جنایت همچنان علیه زنان با شدت دنبال می‌شود.

سیاست خانه نشین کردن زنان و طرد آن‌ها از فعالیت تولیدی و اجتماعی، دقیقاً منطبق با ایدئولوژی و نوع اقتصادی‌ست که حاکمین از آن سود می‌جویند.

از نظر ایدئولوژی اسلامی، زن موجود درجه دوم است که باید تحت حاکمیت و فرمان مرد باشد. در عین حال وظیفه زن فقط بچه داری است. به علت ناقص‌العقل بودن، او باید خارج از فعالیت‌های تولیدی و اجتماعی باشد. پیاده کردن این ایدئولوژی در جامعه از همان ابتدای حاکمیت رژیم فاسد اکنونی، آغاز گردید. چیز تازه‌ای نیست.

مقاومت زنان به ویژه در جنبش اخیر علیه این ایدئولوژی و نتایج فاجعه بار آن و ضربات شکننده‌ای که به بنیان‌های حاکمیت رژیم وارد آورد، حاکمین را مصمم نمود این بخش از جامعه (زنان) را به هر قیمتی به گورستان خانه روانه سازد.

برای سردمداران رژیم، کسب سود و ثروت بالاترین ارزش هاست. برای رسیدن به آن از هیچ امکان کوچکی صرف نظر نمی‌کنند و برای رسیدن به یک تک تومانی حاضر هستند هزاران انسان شریف را قربانی کنند.

این واقعیت در طول ۴۴ سال حاکمیت این رژیم به کرات جامعه ما را به پرتگاه نیستی کشانده و مردم از آن به خوبی آگاهند.

ولی چه شده که بخش قابل توجهی از مردم کشور ما، یعنی دختران دانشجو و دانش آموز را تا حد مرگ مسموم می‌مایند و این نیروی ثروت آفرین را نابود می‌کنند.

علت اساسی این جنایت خوفناک را باید در ساختار اقتصادی جامعه ایران جستجو نمود. ثروتی که حاکمین را بر پا نگهداشته است، از تولیدات صنعتی، رشد و شکوفائی صنعت در کشور حاصل نمی‌گردد. منابع اقتصادی حاکمین، نفت و گاز و پتروشیمی، محصولات معدنی دیگر مثل طلا، اورانیوم، مس و آهن،

درآمدهای گمرکی و صادرات و واردات است که اکثراً صادرات به محصولات کشاورزی محدود می‌گردد.

ولی صنایع در ایران هر روز با خطر ورشکستگی بیشتری رو به روست. در ده سال گذشته بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه صنعتی از ایران فرار کرده است. هزاران کارخانه صنعتی از این کشور به کشورهای همسایه مثل ترکیه منتقل گردیده و ده‌ها هزار متخصص شاخه‌های مختلف صنعتی این کشور را ترک کرده‌اند.

نرخ بیکاری در سال ۱۳۹۹ در جمعیت فعال ۲۴-۱۵ ساله کشور ۲۳/۷ درصد بوده است. در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ صد‌ها هزار نفر از جمعیت فعال کشور به دلیل ناامیدی از پیدا کردن کار، دیگر جویای کار نشده‌اند. مرکز آمار ایران این جمعیت را از جمعیت بیکاران کشور حذف کرده است.

این درصد بالا از بیکاری و تورم بیش از ۱۰۷ درصدی اقتصاد کشور ناشی از رشد بورژوازی تجاری مدرن ایران (صادرات و واردات) و رکود صنعت است. اگر زنان قانوناً از چرخه تولید و فعالیت تولیدی خارج شوند، دیگر جزو بیکاران کشور به حساب نمی‌آیند. معضل کاریابی برای آن‌ها نیز حل می‌گردد.

رژیم ایران با این نوع اقتصاد، باعث بیکاری روز افزون نیروی بالفعل کارکن جامعه می‌گردد. برای رهایی از این معضل و یا کاستن شدت آن، اولین سیاست مخربی که اعمال می‌شود، بیرون راندن بخشی از نیروی بالقوه فعال کشور از پروسه آموزش و تخصص صنعتی است. اولین نقطه «ضعفی» که رژیم فاسد ایران روی آن انگشت می‌گذارد، زنان دانش آموز و دانشجو هستند.

یک روز پیش از به صحنه آمدن علی خامنه‌ای، خبرگزاری سپاه اعلام می‌کند که عامل این مسمومیت‌ها شیطنانی خود دانش آموزان بوده است. علی خامنه‌ای بزرگترین جنایت کار ایران، بعد از سه ماه که این جنایت مرتب در شهرهای ایران تکرار می‌شود، به صحنه می‌آید و چنین می‌گوید:

«مسئولان باید موضوع مسمومیت دانش آموزان را با جدیت دنبال کنند؛ این یک جنایت بزرگ و غیر قابل اغماض است ... اگر مسمومیت دانش‌آموزان اثبات شود، باید عوامل این جنایت به اشد مجازات برسند. در مورد این افراد هیچ عفو نخواهد بود.» از نظر این انسان جنایت کار، مسمومیت دانش

آموز و دانش پژوهان هنوز اثبات نشده است، یعنی دولتی نیست و صحت آن نیز هنوز زیر سؤال است. برای تأیید عملی این موضع دغ‌لکارانه، فردای این سخنرانی (۱۶ اسفند) وزارت کشور اعلام می‌کند که در ۶ استان افراد مضمونی را دستگیر کرده‌اند چند نفر را گرفته‌اند. احمدی، معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور در همین تاریخ می‌گوید: «البته مواردی هم که جنبه غیرمعنادانه داشتند نیز ارشاد شدند...» به زبان بشری یعنی عده‌ای از خودی‌ها را گرفته و دوباره آزاد کرده‌اند.

ولی نوع سم‌های کشنده به کار گرفته شده طوری است که هیچ لایراتوار عادی قادر به تولید آن نیست. تهیه آن تکنولوژی بالا و امکانات وسیع علمی می‌خواهد. تهیه این سم فقط می‌تواند توسط دولت ایران تهیه شده باشد. زیرا تمام امکانات در مدت سه ماه برای تعقیب جنایت کارانی که مرتکب این فجایع می‌شوند، در ایران وجود داشته است. ولی فقط بعد از صحبت‌های خامنه‌ای تعقیب و صحنه سازی‌ها شروع می‌شود.

مدت چهل سال ارباب، محدودیت، تهدید و زندان و کشتار خیابانی زنان، برای رژیم ایران نتایج مورد نظر را به بار نیاورد. لذا به آخرین وسیله متشبث شده است؛ مسموم کردن هزاران دانش پژوه زن.

اعمال این فجایع در مورد کل جامعه و به ویژه زنان، امری گذرا نیست. در ذات سیستم اقتصادی و ایدئولوژیک حاکمین ایران نهادینه است. لذا تا سیستم سرمایه‌داری برقرار است و تا زمانی که این سرمایه‌داری با مذهب عجین گشته، باید منتظر فجایع دیگر بود. فقط با سرنگون کردن دولت بورژوازی و با نقد عمیق و همه جانبه مذهب، مردم به ویژه زنان روی آرامش و سلامت خواهند دید.

انقلاب امر توده‌های میلیونی کار و زحمت است

هشت مارس ۲۰۲۳ و سیاست خرده بورژوازی

به راستی نیروی محرکه چنین جنبش عظیمی که زنان را به پیشروان مبارزات طبقاتی طبقات تحت ستم و استثمار تبدیل نمود، چه بود؟

علاوه بر عوامل عمومی که در سال ۱۴۰۱ باعث خیزش کارگران، زحمتکشان و

آزادیخواها مترقی در این کشور شد، از قبیل فقر، بیکاری، نا امنی اجتماعی، بی ثباتی در اشتغال، فشار فیزیکی و روانی جو امنیتی بر سراسر کشور، چپاول و غارت هر آنچه در دسترس حاکمین قرار می‌گرفت و می‌گیرد، تخریب محیط زیست، تورم ۴۰ درصدی، گرسنگی عمومی و تشنگی مردم مناطق وسیعی از این کشور،

عوامل خاصی نیز به مبارزات زنان این سرزمین شتاب و عمق ویژه‌ای بخشیده است. ما در زیر این عوامل را بررسی می‌کنیم.

۱- رژیم سرمایه‌داری فاشیستی ایران که خود را با ابزار و ماسک مذهب مسلح کرده است، سیاست بیرون راندن زنان از جامعه و خانه نشین کردن آن‌ها را بدون کوچکترین نرمشی به ویژه در سالهای اخیر به پیش برده است. این سیاست در خدمت سرمایه‌داری عقب مانده و وابسته ایران است زیرا زن در خانه باید برای مرد استثمار شده‌اش شرایطی را فراهم آورد تا برای استثمار شدن در روز بعد آماده باشد. در عین حال زن خانه نشین بی سواد قادر به دفاع از حقوق پایمال شده‌اش نیست.

جدول حاضر اقتباس از داده‌های

مرکز آمار ایران است و موقعیت اقتصادی زنان را در جامعه نشان میدهد. چنان که ملاحظه می‌شود نرخ مشارکت اقتصادی مردان ۶۸٫۷ در صد کل نیروی فعال اقتصادی را شامل می‌شود در حالی که نرخ مشارکت اقتصادی زنان فقط ۱۳٫۹ درصد کل نیروی فعال اقتصادی را تشکیل میدهد.

از جانب دیگر نرخ بیکاری مردان ۸٫۴ درصد و برای زنان ۱۵٫۶ درصد است. این داده‌ها عمق سیاست جنایت کارانه و ضد انسانی سرمایه‌داری حاکم را در بیرون راندن زنان از پروسه اشتغال، نشان میدهد. درصد اشتغال زنان شهری کمتر از زنان روستایی است و بیکاری زنان شهری بیش از دوبرابر زنان روستایی است. این بدان معنی است که زنان شهری از پروسه تولید صنایع بزرگ بیرون رانده شده‌اند. رژیم دد منش سرمایه‌داری - اسلامی ایران

جهت بیرون راندن هر چه بیشتر زنان از پروسه آزمون‌های علمی و فعالیت‌های تولیدی و اجتماعی و نتیجتاً خانه نشین کردن آن‌ها، جنایت خوفناک و آشکار دیگری را علیه زنان در پیش گرفته است؛ مسموم کردن شیمیایی دختران دانش آموز به طور گسترده که تا کنون صدها قربانی گرفته است. این سیاست‌ها و اقدامات جنایتکارانه نه تنها زنان قهرمان کشور ما را از مبارزه برای

احقاق حقوق خود باز نداشته، بلکه، نفرت روز افزون آن‌ها، مقاومت و مبارزه‌شان را در سطح و عمق گسترش داده است

۲- محدودیت و تنگناهای روانی - سیاسی غیر قابل تحمل بر زنان که مهمترین آن‌ها پوشش شرعی اجباری است. زنان سعی می‌کردند در ملاء عام با نقض جوانبی از نرم‌های اسلامی پوشش، فشار بر خود را تعدیل کنند ولی در ادارات و مؤسسات دولتی و غیر دولتی این نوع از مبارزه ممکن نبوده و ممکن نیست. رژیم در مبارزه با این "نقض قانون" از جانب زنان، گشت ارشاد را برپا کرد که خود باعث تنش بیشتر در جامعه

در تقابل با مظالم، فشارهای سیاسی عمومی و فوق استثمار کارگران و زحمتکشان، و فشارهای ویژه غیر قابل تحمل فوق بر زنان، با جرعه قتل مهسا امینی توسط گشت ارشاد، خیزش عظیم عمومی شهریور - بهمن ۱۴۰۱ علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران شعله‌ور گردید که زنان در پیشاپیش آن در حرکت بودند.

جنبش اخیر نیروهای مترقی، طولانی‌ترین جنبش توفنده در طول حاکمیت ننگین رژیم جمهوری اسلامی ایران بود. علت این تداوم چه بود؟

مهمترین علت آن، به صحنه آمدن گام به گام

نرخ مشارکت اقتصادی مرد و زن در سال ۱۳۹۹			
جنس	کل کشور	شهر	روستا
مرد و زن	نرخ مشارکت اقتصادی %	۴۱٫۳	۴۴٫۲
	نرخ بیکاری %	۹٫۶	۷٫۲
مرد	نرخ مشارکت اقتصادی %	۶۸٫۷	۷۲٫۴
	نرخ بیکاری %	۸٫۴	۷٫۰
زن	نرخ مشارکت اقتصادی %	۱۳٫۹	۱۵٫۲
	نرخ بیکاری %	۱۵٫۶	۸٫۱

سالنامه آماری کشور ۱۳۹۹ - نیروی انسانی

گردید. در واقع مبارزه برای آزادی پوشش یکی از عوامل مهمی بود که زنان کشور ما را به خیابان‌ها کشاند. در عین حال قوانین بسیار عقب مانده و ارتجاعی اسلامی از قبیل مسأله ارث، شهادت، مجازات زنا محسنه، سرپرستی کودکان توسط مرد در شرایط جدایی همسران، عدم دسترسی زنان به لحاظ قانونی به بسیاری از مشاغل اجتماعی مثل قضاوت و ... به مبارزات زنان تنش ویژه‌ای میداد و میدهد.

۳- فشار غیر قابل تحمل روانی بر زنان در کل جامعه از پانین تا بالا. این فشار روانی، تحقیر همه جانبه زنان است: زن ناقص العقل است. عقل زن نصف عقل مرد است. زنان ذاتاً توطئه‌گرند. آفرینش زن توسط پروردگار برای ادامه نسل و دفع شهوت مرد بوده است. این عقاید مرتجعانه، با تبلیغ گسترده خرافات و نرم‌های عقب مانده مناسبات خانواده اسلامی در جامعه همراه بوده و هست. علاوه بر این، گسترش جنایت کودک همسری در ایران یکی از عوامل مهم تنش مبارزاتی زنان بوده است. طبق داده مرکز آمار ایران در بهار سال ۱۴۰۰، تعداد ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله در بهار ۱۴۰۰ با حدود ۳۲ درصد رشد در قیاس با آمار بهار سال ۹۹ به ۹۷۵۳ ازدواج رسید.

فشار غیر قابل تحمل روانی بر زنان در کل جامعه از پانین تا بالا. این فشار روانی، تحقیر همه جانبه زنان است: زن ناقص العقل است. عقل زن نصف عقل مرد است. زنان ذاتاً توطئه‌گرند. آفرینش زن توسط پروردگار برای ادامه نسل و دفع شهوت مرد بوده است. این عقاید مرتجعانه، با تبلیغ گسترده خرافات و نرم‌های عقب مانده مناسبات خانواده اسلامی در جامعه همراه بوده و هست. علاوه بر این، گسترش جنایت کودک همسری در ایران یکی از عوامل مهم تنش مبارزاتی زنان بوده است. طبق داده مرکز آمار ایران در بهار سال ۱۴۰۰، تعداد ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله در بهار ۱۴۰۰ با حدود ۳۲ درصد رشد در قیاس با آمار بهار سال ۹۹ به ۹۷۵۳ ازدواج رسید.

۳- فشار غیر قابل تحمل روانی بر زنان در کل جامعه از پانین تا بالا. این فشار روانی، تحقیر همه جانبه زنان است: زن ناقص العقل است. عقل زن نصف عقل مرد است. زنان ذاتاً توطئه‌گرند. آفرینش زن توسط پروردگار برای ادامه نسل و دفع شهوت مرد بوده است. این عقاید مرتجعانه، با تبلیغ گسترده خرافات و نرم‌های عقب مانده مناسبات خانواده اسلامی در جامعه همراه بوده و هست. علاوه بر این، گسترش جنایت کودک همسری در ایران یکی از عوامل مهم تنش مبارزاتی زنان بوده است. طبق داده مرکز آمار ایران در بهار سال ۱۴۰۰، تعداد ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله در بهار ۱۴۰۰ با حدود ۳۲ درصد رشد در قیاس با آمار بهار سال ۹۹ به ۹۷۵۳ ازدواج رسید.

این شعار ظاهراً خصلت طبقاتی ندارد. برای روشن شدن این مدعا مثالی می‌آوریم: آیا واژه «آزادی» خصلت طبقاتی روشن دارد؟ نه. زیرا هم نیروهای دمکراتیک، هم کمونیست‌ها و هم سرمایه‌داری امپریالیستی از این واژه می‌توانند استفاده کنند. این واژه تا زمانی که عام است، به غیر از گول زدن توده‌ها و جا انداختن آزادی سرمایه‌داری، به هیچ دردی نمی‌خورد.

در صورت بکار بردن مشخص این واژه، آن وقت تاریخ ساز می‌شود. مثلاً آزادی طبقه کارگر از استثمار سرمایه‌داری.

واژه‌های «زن»، «زندگی»، «آزادی» نیز تا وقتی که عام هستند فقط می‌توانند در خدمت خرده بورژوازی و بورژوازی قرار گیرند. این سه واژه ظاهراً هیچ مفهوم خاصی را در بر ندارد. هر کسی به میل خود این واژه‌ها را تفسیر می‌کند.

به همین دلیل وقتی این شعار سر داده شد، توسط خرده بورژوازی گسترش یافت و توسط بورژوازی به کار گرفته شد. بایدن رئیس جمهور آمریکا، رضا پهلوی، مجاهدین خلق، نهضت آزادی، برخی گروه‌های کوچک و بزرگ چپ و کمونیست در ایران همه و همه این شعار را سر میدهند. در کنفرانس امنیتی مونیخ رضا پهلوی و مسیح علی‌نژاد زیر لوای «زن، زندگی، آزادی»، با نیروهای امپریالیستی گرد هم جمع شده بودند. همین یک قلم برای روشن شدن ماهیت این شعار در مغزهایی که هنوز علیل هستند و تا کنون این ماهیت را در نیافته‌اند، کافی است.

این شعار جای شعار: «پیش به سوی جنبش کارگری» را گرفته است. این شعار یک شعار همه با همی است که جنبش عمومی مردم را تضعیف و پراکنده می‌کند، و جنبش زنان را از جنبش کارگری و نتیجتاً از کل جنبش عمومی مردم جدا می‌سازد.

هر جنبش اجتماعی وقتی می‌تواند تأثیر گذار باشد و در حرکت عمومی و انقلابی مردم تحریک ایجاد کند که بتواند خود را نوسازی نماید. آثار فکری، روانی و سیاسی طبقات ستم‌گر را از خود بزدايد، با ستم‌دیده‌ترین طبقه، یعنی طبقه کارگر در جامعه متحد شود و در پاکسازی ایدئولوژیک عمومی شرکت فعال داشته باشد. شعار «زن، زندگی، آزادی» از این خصلت تهی است.

جنبش زنان از این قاعده (پروسه نوسازی) مستثنی نیست.

زنان کشور ما در همین برهه تاریخی نشان داده‌اند که پتانسیل عظیم انقلابی را در خود نهفته دارند که در شرایط مساعد می‌تواند جنبش‌های توفنده‌ای علیه رژیم‌های ارتجاعی به وجود آورند.

ما هشت ماه مارس، روز جهانی زن را امسال در شرایطی برگزار کرده‌ایم که یک مبارزه حاد و گسترده ایدئولوژیک علیه نظرات خرده بورژوازی در جنبش زنان برپا گردیده است. ما به این مبارزه خوش آمد می‌گوئیم و مطمئن هستیم که پیروزی در این مبارزه، نقش زنان را در مبارزه عمومی علیه سرمایه‌داری افزون و افزون‌تر خواهد کرد.

**رشد و تعالی مبارزه زنان در
همبستگی با جنبش کارگری نمود
می‌یابد**

کنفرانس مونیخ

ایتالیا و... ذخیره گشته است. کنسرن‌های بین‌المللی آمریکائی و اروپائی از زمان جنگ یوگوسلاوی سیاست غارت این نقدینه‌ها را جلو برده و تا کنون نیز آنرا ادامه می‌دهند. برای مثال در ابتدای تهاجم روسیه به اوکراین، دولت آلمان مایل به ارسال اسلحه و نیروی نظامی نبود. در اثر فشار دولت آمریکا، دولت آلمان مجبور شد صد میلیارد یورو به تکامل تجهیزات خود اختصاص دهد. لذا مجبور گردید بیش از ۷۰ میلیارد آن را صرف خرید اسلحه از کنسرن‌های اسلحه سازی آمریکائی کند. روند خرید اسلحه توسط دولت‌های غربی از کنسرن‌های اسلحه‌ساز بین‌المللی آمریکائی و اروپائی در حال گسترش است.

کنفرانس مونیخ در خدمت اهداف فوق برگزار گردید. اولین سخنران این کنفرانس زلنسکی رئیس جمهور فاشیست اوکراین بود که سخنرانی خود را از طریق تماس ویدئویی انجام داد.

زلنسکی کیست؟

زلنسکی یک هنر پیشه کمیک درجه سه مدیای اوکراینک بود که بعد از بحران اوکراین در ۲۰۱۴-۲۰۱۵ که رئیس جمهور این کشور در اثر توطئه نیروهای فاشیستی اوکراین سرنگون شد، به عنوان عروسک خیمه شب بازی آمریکا و نماینده بورژوازی فاشیستی اوکرائینی به ریاست جمهوری رسید.

در اوکراین یک نیروی قدرتمند فاشیستی در بدنه جامعه و در قدرت سیاسی حضور دارد. زحمتکشان اوکراین از پیش از جنگ جهان دوم و در خلال آن در مرحله اول توسط فاشیست‌های باندرائی (باندرای: رهبر فاشیست‌های اوکراین در جنگ جهانی دوم) قتل عام شدند و در مرحله بعدی پوزه فاشیست‌ها را به خاک مالیدند و آن‌ها را از کشور فراری دادند. بیشتر این فاشیست‌ها همراه فاشیست‌های شکست خورده هیتلری به آمریکا گریختند. با فرو ریزی سوسیالیسم و برآمدن رویزیونیسم و سرمایه‌داری در روسیه، دوباره فاشیست‌های اوکرائینی به کشور خود باز گشتند و با ناسیونالیسم افراطی و فاشیستی خود توانستند عده‌ای را گرد خود جمع آورند و تبدیل به نیری قدرتمندی گردند. زلنسکی نماینده این فاشیست‌های خونخوار است که با پشتیبانی ناتو روی کار آمده است، همان طور که پدران سیاسیش با پشتیبانی هیتلر روی کار آمدند و زحمتکشان کشور خود را قتل عام کردند.

در کنفرانس مونیخ زلنسکی می‌گوید: «ما باید عجله کنیم. ما به افزایش سرعت در توافق‌ها و تحویل تجهیزات نیاز داریم تا جلوی روسیه را بگیریم... مسئله فقط این نیست که اوکراین باید ببرد. مسئله این است که جالوت باید بیازد و هیچ جایگزینی به جز پیروزی اوکراین در این جنگ وجود ندارد.» البته او فراموش کرده بود که جایگزینی پیروزی روسیه امپریالیستی نیز وجود دارد. او برای تهیج و بسیج کشورهای امپریالیستی غرب می‌گوید: «در حالی که ما در حال مذاکره برای جت‌های جنگنده هستیم، کرملین ایران را متقاعد کرده است که پهپادهای مرگبار به روسیه بفرستد. کرملین آماده است بهای آن را بپردازد، نه فقط با پول، بلکه با اورانیوم ۹۲ درصد غنی‌شده. من مطمئن هستم که هیچ‌کسی در اینجا حاضر نیست این ریسک را بپذیرد.» به زبان بشری و نه فاشیستی گفتار فوق چنین معنی میدهد: غربی‌ها ببینید که پشتیبانان روسیه چه کمک‌هایی به او می‌کنند، یاد بگیرید و تجیزات جنگی خود را زودتر به سوی ما روانه کنید.

رئیس جمهور آلمان که تا چندی پیش مخالفت فرستادن تانک‌های لئوپارد ۲ به اوکراین بود و مورد انتقاد زلنسکی قرار داشت، تحت فشار ناتو با ارسال این تانک‌ها و تعلیمات خدمه آن‌ها در آلمان روی خوش نشان داد و در این کنفرانس به کشورهایانی نیز که دارای

تانک‌های مشابه بودند توصیح کرد که «آن‌ها نیز این کار را بکنند.» در عین حال به طولانی بودن این جنگ نیز از عان کرد که این جنگ «می‌تواند برای مدت طولانی ادامه یابد.» او بر چهره کریه امپریالیستی‌اش ماسک بشر دوستانه زد و گفت: «ما باید حمایت و تلاش خود را برای کمک به مقاومت مردم و ارتش اوکراین به طور کامل تشدید کنیم.»

نخست وزیر بریتانیا، ریشی سوناک، سنگ تمام گذاشت و از همه کشورهای جهان درخواست کرد که کمک‌هایشان به اوکراین را دو برابر کنند.

اورزولا فن‌درلاین که به طور ژنتیک خواستار یک روسیه سوخته است علیه تهاجم روسیه خواهان کمک‌های مضاعف به اوکراین شد و گفت: «ما باید به حمایت گسترده مورد نیاز برای شکست برنامه‌های امپریالیستی پوتین ادامه دهیم.»

پروین اعتصامی در جوابش گفت: «خویش‌تن بی‌سبب بزرگ مکن تو هم از ساکنان این کوی» تو هم از راست‌ترین جناح‌های امپریالیستی آلمان هستی. مثلی است معروف که دیگ به دیگ می‌گه روت سیاه. این خانم رئیس کمیسیون اروپا در ادامه می‌گوید: «زمان سرعت گرفتن فرا رسیده است چراکه اوکراین برای زنده ماندن به تجهیزات نیاز دارد.» در واقع ایشان اقرار می‌کند که اوکراین از حالا مرده است. زیرا کشوری که برای زنده ماندن به کمک امپریالیسم محتاج باشد همانند ماهی‌ای است که برای نفس کشیدن به گازونیل احتیاج داشته باشد. امپریالیستها با «کمک» به اوکراین در واقع هم آن را ویران می‌کنند و هم از این طریق رقیب‌شان یعنی روسیه امپریالیستی را در صورت امکان تضعیف مینمایند و یا تجربه می‌کنند. پس از آن چپاول منابع طبیعی اوکراین و استثمار بی‌حد و حصر زحمتکش‌ان این کشور توسط آمریکا و کشورهای مقتدر اروپایی آغاز می‌گردد.

البته خانم کامالا هرس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، نیز بزرگوارانه فرموده‌اند که روسیه در جنگ با اوکراین «مرتکب جنایت علیه بشریت شده است.» اگر این گفته را به زبان بشری و نه به زبان امپریالیستی ترجمه کنیم می‌شود که امپریالیسم روسی در جنگ با اوکراین مرتکب جنایت علیه امپریالیسم آمریکا شده است. البته امپریالیستها همیشه نسبت به هم مرتکب جنایت می‌شوند. این که تازگی ندارد. ولی امپریالیستها جنایت‌های

همدیگر علیه توده‌های کار و زحمت را افشا نمی‌کنند.

نخست وزیر استونی در کنفرانس مونیخ گفت: «اعضای اتحادیه اروپا باید تسلیحات بیشتری بخرند.» این موضع به دل امپریالیسم آمریکا و طرفداران واقعی‌اش چسبید.

جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در پشتیبانی از پیشنهاد نخست وزیر استونی گفت: «من کاملاً از پیشنهاد نخست وزیر استونی حمایت می‌کنم و ما روی آن کار می‌کنیم و حتماً اثر بخش خواهد بود.» اثر بخشی آن همانند اثر بخشی خرید ۷۰ میلیارد دلاری اسلحه از آمریکا توسط دولت آلمان خواهد بود.

دبیر کل ناتو هم موضع آمریکا را چنین فرموله کرد: «هیچ نشانی در تغییر جاه طلبی‌های ولادیمیر پوتین وجود ندارد... ضروری است به اوکراین آنچه برای پیروزی و بقا به‌عنوان یک کشور مستقل در اروپا نیاز دارد داده شود.»

رئیس‌جمهور فرانسه موضع دیگری دارد. او خواهان مبارزه علیه روسیه و وادار کردن این کشور به مذاکره است. یعنی وادار کردن روسیه به تمکین به غرب. این موضع قدری نرمش پذیرتر از موضع آلمان است و تضادبست هر چند اندک ولی موجود در کشورهای ناتو

در این کنفرانس نماینده چین نیز حضور داشت که خیلی مؤدبانه از آمریکا به علت سرنگون کردن بالن سفید چین در مرزهای خودش، انتقاد نمود. همین و بس.

کنفرانس مونیخ، رو نمای بزرگ کرده‌ی توطئه خطرناک نیروهای امپریالیستی علیه یکدیگر و علیه مردم جهان می‌باشد.

واقعیت چیست؟

واقعیت این است که چین و آمریکا بر سر هژمونی جهانی به لحاظ اقتصادی و سیاسی در جدال هستند.

سیاست اقتصادی چین در آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا عبارت است از وابسته کردن اقتصادی کشورهای این قاره‌ها و مطیع نمودن آن‌ها. ما در کمون شماره بیست در مقاله‌ای مربوط به چین، چنین نوشتیم: «سیاست چین در مورد پرداخت وام به کشورهای محتاج چنین است: آنقدر به توالی وام پرداخت می‌کند تا کشور مزبور دیگر توانایی باز پرداخت وام‌ها را نداشته باشد. در چنین مواقعی دولت چین ارباب بلامنزاع چنین کشوری است. این سیاست خوفناک استثمار با کشورهای دیگر، احتیاجی

نمی‌بیند که در آفریقا با توپ و تفنگ در مقابل سرمایه آمریکائی بایستد. کشورهای آفریقائی قدرت بیرون آمدن از حیطه قدرت اقتصادی چین را ندارند.» لذا چین هنوز ضرورتی در تهاجم نظامی برای کسب بازارهای اقتصادی نمی‌بیند. اقتصاد چین شکوفا و مردم تحت استثمار سرمایه‌داری امپریالیستی در این کشور نزدیک به یک میلیارد است. با این وجود چین دومین کشور مجهز به خطرناکترین سلاح‌های کشتار جمعی است. در هر لحظه‌ای که سردمداران چین اراده کنند این سیستم می‌تواند فعال شود.

آمریکا کشور امپریالیستی کهنی است. اقتصادش ورشکسته و بودجه سالانه‌اش با کسری بالا رو به روست. «تنها بودجه ۶۰۰۰ میلیارد دلاری آمریکا در سال ۲۰۲۲ با ۱۸۰۰ میلیارد دلار کسری مواجه بود.» (کمون شماره ۲۰ - مقاله اوکراین) لذا آمریکا برای ترمیم اقتصادیش می‌بایست اولاً جهان را در تنش نظامی غرق کند و تا می‌تواند اسلحه بفروشد. دوماً منابع انرژی را انحصاراً تحت کنترل و چپاول داشته باشد. ایجاد جنگ و نا آرامی در یمن و عراق دقیقاً در خدمت این سیاست اقتصادی صورت گرفت. سوماً بازارهای تهیه مواد خام و فروش محصولات خود را حفظ نماید.

برای تحقق این زمینه‌ها، محاصره چین و در تنگنا قرار دادن اقتصاد این کشور برای آمریکا به بزرگترین استراتژی تبدیل شده است. «محاصره» چین از طریق دریای جنوب چین، ناکافی و ناکامل است. این محاصره باید با تجزیه روسیه و از طریق روسیه کامل شود. در خدمت این استراتژی ناتو در طول سه دهه، خود را تا مرزهای روسیه گسترش داده و تمام قراردادهای توافقنامه‌های بین ناتو و روسیه را زیر پا انداخته است. لذا اوکراین و کشورهای همجوار روسیه، کشورهای جلوی جبهه برای استراتژی آمریکا به حساب می‌آیند. آمریکا باید کشورهای جلوی جبهه را به لحاظ مالی و اسلحه تقویت کند. برای این منظور او باید جیب متحدین غربی خود را خالی کند. از این رو غارت مالی کشورهای اروپائی بخشی از استراتژی امپریالیسم آمریکا گشته است.

برای روسیه نیز کسب بازارهای نوین و گسترش مناطق نفوذ سیاسی اهمیت بسیار بالایی دارد. اولین گام استراتژیک روسیه برقراری هژمونی خود بر کشورهای اروپای شرقی است. لذا ادعای پوتین که تهاجم به اوکراین جهت دفاع کشورش در مقابل ناتو

فضاهای امنی را ایجاد کنیم برای این که گفتگو درش انجام بشود به نحو معنی دار تا افرادی که اندیشه‌های مختلفی دارند گرایش‌های مختلفی دارند دور هم جمع بشوند و بدون اینکه متهم شوند به اینکه تو ضد رژیمی، تو طرفدار رژیمی با یکدیگر بتوانند صحبت کنند... هر کسی باید وظیفه خودش را ایفا کند. شاید سال بعد، ایران بتواند اینجا نمایندگی‌اش را آن کسانی که الان در زندان هستند بر عهده داشته باشند.»

به بیان دیگر: شما نماینده ما نیستید، ما در جریان تحقیق و بررسی در مورد ایران هستیم تا اگر لازم شد آلت‌ناتیو خود را از بین «مردم» و احتمالاً زنانیان سیاسی انتخاب کنیم.

این است ماهیت حقیر و فرومایه این گروه و درجه اهمیتی که برای امپریالیست‌های غربی دارند.

کنفرانس مونیخ نه تنها دستان به خون آلوده کلیه امپریالیست‌های غربی را بر ملا ساخت و عطش آن‌ها را برای برپایی یک جنگ جهانی به مردم جهان نشان داد، بلکه ماهیت فاسد، وابسته و خود فروخته‌ی افرادی مثل رضا پهلوی و نوچه‌هایش (مسیح‌علی‌نژاد و...) را نیز با شفافیت در مدیای جهانی برای مردم آشکار ساخت.

سرمایه‌داری امپریالیستی جهان را بر مبنای خصلت استثمارگرانه و چپاول‌گرانه‌اش به صورت ویرانه‌ی کنونی درآورده است. تغییرات مثبت به نفع طبقات استثمار شده و ستم دیده را نه سرمایه‌داری، بلکه نوسازی درونی جنبش کمونیستی شکل خواهد داد. در پروسه ایجاد احزاب کمونیست در کشورهای مختلف و ایجاد یک انترناسیونال کمونیستی مقتدر این روند آغاز می‌گردد.

زلزله و سرمایه‌داری

تلفات انسانی و تخریب محل سکونت و از هم پاشیدگی نسبی بنیان‌های زندگی وجود داشت ولی در ابعادی کوچک و قابل ترمیم سریع. از زمان ظهور سرمایه‌داری در جهان، طبیعت به طور فزاینده‌ای توسط انسان تخریب گردیده است. این تخریب با ضرورت تولید انبوه توسط ماشین بخار آغاز شد زیرا تولید ماشین بخار به فولاد و آهن و

دیگر کنفرانس مونیخ تجمع جنایت کاران جنگی غرب به رهبری آمریکا که دستانش تا مغزخون مردم زحمتکش اوکراین آغشته است، علیه جنایت کاران جنگی شرق به ویژه امپریالیسم روسیه که سر تا پایش به خون مردم اوکراین آغشته است، برگزار شد.

در آغوش این جنایت کاران بین‌المللی عده‌ای خود فروخته ایرانی که بوی قدرت سیاسی به مشامشان خورده، جلسه‌ای جانبی تشکیل داده بودند. از جمله این افراد می‌توان رضا پهلوی، مسیح‌علی‌نژاد و نازنین بنیادی و کریم سجادیپور را بر شمرده. بی‌پرنسیبی، رذالت و خود فروشی از هر کلام این انسان‌های نوکر صفت نمایان است.

رضا پهلوی «فروتخانه» می‌گوید: مردم ایران «انتظار حمایت بین‌المللی فراچنانی دارند.» و با وجود اطلاع از این امر که تا کنون فشار اقتصادی بر ایران به کشتار وسیع مردم این کشور انجامیده است، فشار حداکثری بر ایران و حمایت حداکثری از اپوزیسیون (لیست تهیه شده توسط غرب) را تمنا می‌کند. البته خواننده این سطور می‌تواند تصور کند که آمریکا، آلمان، فرانسه و انگلیس چقدر فرا جناحی هستند و فشارهای اقتصادی حداکثری همین جنایت کاران چه بلایی به سر مردم زحمتکش ایران وارد آورده است.

ولی گردانندگان کنفرانس مونیخ به این گروه خود فروخته فهماندند که آن‌ها هنوز آلت‌ناتیو مورد پشتیبانی کنفرانسچیان نیستند. بلکه با دنبال کردن تغییرات اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران، اگر لازم باشد آلت‌ناتیو خود را تنظیم خواهند کرد. صحبت‌های خانم هانا نویمن (عضو حزب سبز آلمان و عضو پارلمان اروپا) که با جملات دیگری مفاهیم فوق‌را به گوش آن‌ها فرو می‌کرد، قابل تأمل است. ایشان در نشست‌هایی که از جمله رضا پهلوی، مسیح‌علی‌نژاد، خانم بنیادی و سجادیپور حضور داشتند و از سران امپریالیست کشورهای غربی می‌خواستند تا برنامه گذار را برایشان دیکته کنند، چنین گفت: «این که می‌گویند برنامه گذار چیست؟ دیگر به ما مربوط نیست.» در ادامه این خانم نمی‌گوید که به شما مربوط است، بلکه می‌گوید: «این دستور مردم ایران است، مردم داخل و ایرانیان خارج از کشور.» و به این گروه حلقه به گوش می‌فهماند که ما دنبال آلت‌ناتیو دیگری هستیم. «شاید ما بتوانیم

بوده و هدفش در اوکراین فاشیسم زدائی است، کاذب و برای پوشاندن اهداف امپریالیستی‌اش جار زده می‌شود.

به هر جهت، جنگ اوکراین تدارک دیده انجام شد. تهاجم ناتو به سوی روسیه و برخورد روسیه با این تهاجم و تلاش جهت گسترش نفوذش شدت گرفت. بایدن با شادمانی این جنگ را استقبال کرد زیرا طبق محاسبات امپریالیسم آمریکا، هم روسیه تضعیف و احتمالاً تجزیه می‌شد، و هم امکان محاصره چین از بالا فراهم می‌گردید. در عین حال اروپا در ناتو منسجم‌تر در خدمت استراتژی آمریکا قرار میگرفت و ضرورتاً درهای مخازن مالی کشورهای اروپائی به روی آمریکا باز می‌گردید.

ولی جوانی از محاسبه امپریالیسم آمریکا و اعضای ناتو غلط از آب درآمد.

جنگ در اوکراین درگرفت، ده‌ها هزار از مردم این کشور کشته و آواره و بی‌پناه شدند. باران موشک‌های روسی بروی شهرها و مناطق استراتژیک این کشور و سیل سلاح‌های از رده خارج شده و سلاح‌های با تکنولوژی بالا برای آزمایش از طرف غرب به اوکراین، این کشور زیبا را به مخروبه‌ای که باز سازی آن نیز هزاران قربانی و میلیون‌ها نیروی کار در زمان طولانی میطلبد، تبدیل کرده است.

در این روند، در خزانه‌های اروپائی به روی کنسرن‌های اسلحه سازی بین‌المللی آمریکائی و اروپائی باز گردید. ولی روسیه نه تنها تجزیه نشد، نه تنها اقتصادش منهدم نگردید بلکه درصدی هم شکوفائی اقتصادی در آن مشاهده می‌شود. محبوبیت پوتین افزون گشته است. صادرات این کشور به چین و ایران و هند و بسیاری از کشورهای که محتاج محصولات روسیه هستند، افزایش یافته است. در این روند روسیه مجبور می‌گردد محصولات خود از قبیل نفت، گاز، مواد معدنی و... را به چین ارزان بفروشد. لذا چین از استراتژی آمریکا سودهای بسیار برده است. برای چین برنده شدن روسیه اهمیت چندانی ندارد، بلکه تضعیف آمریکا و روسیه هر دو مطرح است. چین می‌خواهد در جهان امپریالیسم بی‌رقیب باشد.

کنفرانس مونیخ بدون حمله مستقیم به چین، در خدمت کامل رقابت امپریالیسم آمریکا علیه امپریالیسم چین برگزار شد. به بیان

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران

زغال سنگ در ابعاد میلیون نتی محتاج بود: تولید فولاد و آهن در جهان در سال 1700، 300 هزار تن بود که در سال 1850 به 12 میلیون تن رسید. تولید ذغال سنگ در جهان در سال 1800، 10 میلیون تن و در سال 1900 به 760 میلیون تن بالغ گردید.

پس از آن نوبت به استخراج نفت و گاز رسید. در اوایل، مکیدن نفت از اعماق زمین اندک بود، در نتیجه محیط زیست نیز به همان نسبت آلوده می‌شد. امروزه در هر روز ده‌ها میلیون بشکه نفت و میلیون‌ها متر مکعب گاز از اعماق زمین به بیرون مکیده می‌شود و بجای آن در فضاهای تخلیه شده زیر زمینی، آب پمپ می‌کنند. این عمل تعادل درونی زمین را آنچنان به هم می‌زند که هر لرزش کوچکی در اعماق زمین می‌تواند به یک شکاف عمیق در سطح کره تبدیل گردد.

کره زمین در اثر حرارت بسیار بالای ناشی از در هم جوشی‌های اتمی ذوب گردید و پس از سرد شدن به شکل کنونی در آمد. لذا برای تعادل زمین وجود فلزات رادیواکتیو همان طور که در داخل زمین انتشار یافته است، اهمیت درجه اول دارد. بشر با استخراج این فلزات به طور کلی تعادل درونی کره زمین را از بین میبرد و محیط زیست را نیز غیر قابل زیست مینماید. استخراج آهن، مس و زغال سنگ در ابعاد عظیم نیز همین مصائب زیستی را به بار می‌آورند.

در نتیجه ویرانی‌ها و کشتارهای عظیم ناشی از زلزله در دو قرن اخیر، دست ساز نظام سرمایه‌داری است.

زلزله اخیر ترکیه و سوریه شاهکار نظام سرمایه‌داریست.

۱- ترکیه به عنوان یک کشور سرمایه‌داری مهاجم، در آن سطحی از تکنولوژی و دانش است که مثل تمام کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته می‌تواند وقوع زلزله را پیشگویی کند. متخصصین ترکیه در این رشته علمی امکان آن را دارند که از وقوع زلزله ۷/۸ ریشتری و قدرت تخریب آن، که دهان برای بلعیدن زندگی و مأوای مردم باز کرده بود، از پیش مطلع شوند. آن‌ها همه این‌ها را میدانستند. تمام کشورهای مدرن میدانستند که چه فاجعه هولناکی در انتظار مردم این مناطق است. ولی همان طور که کشورهای سرمایه‌داری برای جلوگیری از ضرر کنسرن‌های هواپیمائی با علم به قدرت ۹/۱۵ ریشتری سونامی تایلند سکوت کردند و ۲۲۶ هزار نفر را به کام مرگ کشاندند، در مورد زلزله ترکیه و سوریه نیز سکوت کردند و

بیش از ۵۰ هزار نفر را به کام مرگ کشاندند و صدها هزار نفر زخمی و بی‌خانمان را در هوای سرد گزنده در شهرها و روستاهای ویران شده رها کردند.

۲- دولت‌های ترکیه و سوریه از مناطق زلزله خیز در کشورشان اطلاع کافی داشتند. آن‌ها می‌دانستند که چه طبقاتی در زیر زمین و در چه مناطقی می‌توانند با هم برخورد کنند (گسل‌ها) و زلزله بیافرینند و یا چه طبقاتی در زیر زمین در اثر فشارهایی که از نقاط دیگر کره بر آن‌ها وارد می‌شود، باعث زلزله می‌گردند. با وجود تدوین قوانین دقیق ضد زلزله در بنای ساختمان‌های مسکونی مناطق زلزله خیز، دولت‌های مذکور ساختمان سازی را به بخش خصوصی محول کردند و این بخش بسیار طماع سرمایه‌داری حاضر است برای کمتر مصرف کردن یک تن سیمان و یا یک تن آهن در کار ساختمان، هزاران نفر را قربانی کند. دولت‌های ترکیه و سوریه با وجود اطلاع کامل از این که زلزله در این مناطق، کم عمق خواهد بود و خسارات جبران ناپذیری را باعث خواهد گردید، با محول کردن این مسئولیت به بخش خصوصی، در قبال زندگی و محیط زیست مردم، از خود سلب مسؤلیت کرده‌اند و این شرکت‌های ساختمانی شهرک‌های جدید را در فاصله ۵۰۰ متری گسل‌های زلزله بنا کردند.

«اتاق معماران ترکیه جمعه ۵ اسفند / ۲۴ فوریه دولت رجب طیب اردوغان را مسئول وسعت فاجعه زلزله در این کشور دانست. این نهاد مدنی در گزارشی از قانونی‌کردن ساخت هزاران ساختمان انتقاد کرد و گفت این ساختمان‌ها در واقع نباید تأیید می‌شدند. تقریباً نیمی از ساختمان‌های آسیب‌دیده در زلزله پس از سال ۲۰۰۱ زمانی که قوانین ساخت و ساز سخت‌گیرانه برای ایمنی در برابر زمین‌لرزه وجود داشت، ساخته شده‌اند. به گفته اتاق معماران، نظارت بر ساخت و ساز به بخش خصوصی واگذار شد و دولت از مسؤلیت خود در قبال عموم مردم غفلت کرد.» (سایت خبری یواس - قرائت در ۲۷ فوریه ۲۰۲۳)

۳- دولت ترکیه از پیش، وقوع زلزله را می‌دانست و سکوت کرد. بعد از زلزله نیز در رسیدگی به مردم داغ دار و خانه خراب مسامحه نمود، همان طور که رژیم جمهوری اسلامی در زلزله شمال شرقی ایران، در خوی و مناطق اطراف، عمل نمود. این در ذات سرمایه‌داریست که با چاپیدن مردم برایشان خانه‌هایی بسازد که ویران شوند و پس از ویرانی، آن‌ها را دوباره بچاپد تا

برایشان همان خانه‌ها را بسازند. به قول لنین بزرگ، سرمایه‌داری از یک گاو دو پوست می‌کند.

دولت ترکیه و سوریه هیچ تدارکی برای مقابله با این فاجعه و نظایر آن ندیدند. لذا مردم زلزله زده در سرمای شدید بی پناه، آواره و داغ دار در فضای باز رها شدند. سیل «کمک‌های دولت‌های خارجی» نیز مستقیماً به زلزله زدگان نمی‌رسید. در مرحله اول این کمک‌ها در اختیار دولت قرار می‌گرفت و اکثر کالاهای اهدائی توسط مافیاهای دولتی در بازارهای آزاد به فروش می‌رسد. همانند پتوها و لباس‌هایی که دولت‌ها به مردم طبس هدیه کرده بودند. آن‌ها بعداً در دست فروشی‌های خیابان گمرک تهران سر درآوردند.

بعد از وقوع زلزله مردم همه چیز از دست داده و گرسنه، از خوراکی‌ها و پوشاک داخل فروشگاه‌ها بهره جستند. و این بی‌عملی و عمق سیاست ضد بشری رژیم فاشیستی ترکیه را نمودار ساخت.

ولی مردم مترقی جهان صادقانه با تمام امکانات به یاری زلزله زدگان ترکیه و سوریه شتافتند. عده‌ای سعی کردند کمک‌های خود را از طریق دولت‌هاشان به مردم ترکیه برسانند و بسیاری دیگر از طریق ارتباطات خصوصی به مصیبت دیدگان یاری رساندند و هنوز هم می‌رسانند.

زلزله در ترکیه و سوریه یک فاجعه انسانی بود که کشتار و خرابی به بار آمده آن عمدتاً ناشی از ساختار سرمایه‌داری جوامع ترکیه و سوریه است. ولی این واقعه دردناک یک روند رو به رشد همبستگی مردم جهان را نشان داد و با شفافیت آشکار ساخت که آینده بشریت در دستان مردم پیشرو و اتحاد آن‌ها علیه نیروهای بازدارنده، قرار دارد.

ارتباط با ما

coiran21@gmail.com

در صورت توافق با این خط‌مشی، با سازماندهی هسته‌های مخفی، به ما ببینید

نکاتی درباره منشور مطالبات حداقلی تشکلهای مستقل صنفی و مدنی ایران

این منشور حاوری نکات مهم و ارزنده‌ایست که نشان دهنده سطح بالای آگاهی مجموعه جامعه و به ویژه جامعه کارگری و زحمتکش ایران است.

۴- در منشور چنین آمده است: «از همین رو، این جنبش بر آن است تا برای همیشه به شکل‌گیری هرگونه قدرت از بالا پایان دهد و سر آغاز انقلابی اجتماعی و مدرن و انسانی برای رهایی مردم از همه اشکال ستم و تبعیض و استثمار و استبداد و دیکتاتوری باشد.»

موضعگیری اول این نقل قول یعنی مبارزه برای پایان دادن هرگونه قدرت از بالا، کاملاً درست و انقلابیست و به نظر ما می‌بایست مورد پشتیبانی کلیه نیروهای مترقی قرار گیرد. به ویژه از مبارزه ضد استثماری هم در آن قید شده است. ولی پایان دادن به هرگونه دیکتاتوری، به لحاظ تاریخی و موضع سیاسی نادرست، عقب مانده و ترمز کننده است.

سمت و سوی استراتژیک مردم مترقی به مرکزیت طبقه کارگر، مبارزه علیه دیکتاتوری فاشیستی رژیم جمهوری اسلامی ایران و هر رژیم سرمایه‌داری دیگریست. طبقه کارگر بعد از سرنگون کردن دیکتاتوری بورژوازی در ایران، دیکتاتوری خود را اعمال می‌کند. این طبقه فقط در صورت برپائی دولت خود یعنی دیکتاتوری پرولتاریا می‌تواند سرمایه‌داری را سرکوب کند و گام به گام آن را از صحنه زندگی برباند.

لذا موضع گیری اخیر منشور، به لحاظ تاریخی نادرست و به لحاظ سیاسی یک موضع آنارشستی است.

ما با ایستادگی بر نقد خود از منشور، آن را مثبت، پیشرونده و متحد کننده می‌دانیم و پشتیبانی بی دریغ خود را از نکات مثبت و ارزنده آن اعلام می‌داریم.

۵ اسفند ۱۴۰۱
۲۴ فوریه ۲۰۲۳



تحریف تروتسکیستی رویدادهای تاریخ

نویسنده: علی رسولی
ادامه

متهمان بنشینند، دوگانگی عجیب در وجدانش و باور ناکامل در اعماق ضد انقلابی‌اش را

ناامنی پایان ناپذیر اقتصادی، بردگی نیروی کار، فقر و فلاکت و ستم طبقاتی، ستم ملی و مذهبی، و انقلابی است علیه هر شکلی از استبداد مذهبی و غیر مذهبی که در طول بیش از یک قرن گذشته، بر ما - عموم مردم ایران - تحمیل شده است.»

در موضعگیری‌های فوق مبارزه کارگران علیه استثمار و سرمایه‌داری که به ویژه در ۲۰ سال اخیر هر روز گسترده‌تر و عمیق‌تر جامعه طبقه کارگر را علیه سرمایه‌داری بسیج و متحد می‌کند، از قلم افتاده است. در عین حال مرکزیت طبقه کارگر در کل مبارزات ضد سرمایه‌داری، دمکراتیک و آزادی طلبانه مردم نیز نادیده گرفته شده است.

۲- درخواست جامعه «مدرن و مرفه و آزاد»، که در منشور مطالبات آمده است کاملاً تجریدی و مافوق طبقاتی است. جامعه «مدرن و مرفه و آزاد»، به همان اندازه غیر طبقاتی و مجرد است که واژه «آزادی» و «عدالت». وقتی سؤال شود: آزادی و عدالت برای چه طبقه‌ای؟ آنوقت این واژه‌ها خصلت طبقاتی به خود می‌گیرند. مثلاً عدالت و آزادی برای سرمایه‌داری. یا عدالت و آزادی برای طبقه کارگر و غیره....

۳- اصلاً روشن نیست که مطالبات ۱۲ وجهی این منشور از چه نیروئی و در چه ساختاری درخواست می‌شود. از سرمایه‌داری حاکم یا از سرمایه‌داری بعد از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و یا از جامعه سوسیالیستی؟

اگر این درخواست های دوازده گانه از سرمایه‌داری کنونی باشد، باید بگوئیم که ببخشید، راه را گم کرده‌اید. در یک رژیم سرمایه‌داری فاشیستی هیچ درخواست مترقی، دمکراتیک و پیشرونده‌ای اساساً قابل تحقق نیست.

اگر این درخواست‌ها از ساختار سرمایه داری بعد از جمهوری اسلامی است، باید عرض کنیم که امکان ایجاد یک جامعه و نتیجتاً دولت دمکراتیک از ۷۰ سال پیش تا کنون منتفی گشته است. علت آن هم تغییرات ژرفیست که در سازمان تولید بین‌المللی سرمایه‌داری به وجود آمده است.

اگر این درخواست‌ها برای جامعه سوسیالیستی تنظیم گشته است، اولاً ناکافی هستند (نویسندگان منشور نیز این سند را یک منشور حداقلی نام نهاده‌اند) دوماً هیچ اشاره‌ای به سمتگیری سوسیالیستی در سند مشاهده نمی‌شود.

در این منشور به معضلات مهم جامعه اشاره شده و درخواست های حداقل مردم در ۱۲ بند به طور فشرده تنظیم گردیده است. مسائل مطروحه از جانب بیست تشکل هر اندازه کامل و یا ناقص باشد، هر اندازه روشن و یا نا روشن باشد، بحث همه جانبه‌ای را در جامعه دامن می‌زند که باعث تکامل آگاهی طبقاتی، سازمانی و تعمیق درخواست‌های طبقات گوناگون در اپوزیسیون مترقی جامعه می‌گردد.

ما در عین پشتیبانی از این منشور و در عین تأیید بر صحت اکثر درخواست‌های طرح شده در آن، نقدهائی را بر آن روا میداریم که امیدواریم بتواند به تعمیق کل منشور یاری رساند.

۱- ما نقد اولیه «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه» را از منشور حداقلی، کاملاً درست و بجا می‌دانیم و معتقدیم این نقد، یک نقد محوری برای ارزیابی کل منشور مطالباتی است. در این نقد چنین آمده است: «بخصوص می‌توان به عدم اشاره مشخص به نقش کلیدی طبقه کارگر و خانواده‌های کارگری و زحمت‌کش، بعنوان اکثریت مطلق جامعه (ضمن تکرر و تنوعات منطقه‌ای، ملیتی، جنسی و جنسیتی، زبانی، فرهنگی، مذهبی، سنی، صنفی و بخشی و شغلی (صنعتی، کشاورزی، خدماتی، آموزشی، بهداشتی و غیره)، در مبارزه با نظام سرمایه‌داری و حکومت آن، و همچنین سرنوشت ساز بودن مبارزه همه جانبه طبقاتی در هرگونه تحول اساسی و رهایی بخش در ایران اشاره کرد.»

ما نیز معتقدیم که در منشور مطالباتی، به مبارزه طبقات، افشار، گروه‌های اجتماعی در ۵ ماه اخیر علیه نابرابری‌ها، ستمگری‌ها و نارسائی‌ها، یک سطح برخورد شده است. مبارزه طبقه کارگر در همان سطح و با همان تأثیری در کل جامعه ارزیابی شده است که فعالیت‌های طرفداران محیط زیست و یا گروه‌هایی از هنرمندان که برای آزادی تهیه فیلم و یا نوشتجاتشان مبارزه میکنند. در منشور چنین آمده است: «پرچم اعتراضات بنیادینی که امروز به‌دست زنان، دانشجویان، دانش آموزان، معلمان، کارگران و داخواهان و هنرمندان، کوئیرها، نویسندگان و عموم مردم ستم‌دیده ایران در جای جای کشور از کردستان تا سیستان و بلوچستان برافراشته شده و کم سابقه‌ترین حمایت‌های بین‌المللی را به خود جلب کرده، اعتراضی است علیه زن ستیزی و تبعیض جنسیتی،

وحشتناک است. این مسئله، به دلیل به روز نمودن مسایل قدیمی، مرا از نظر فکری علاقمند کرده است، مسایلی از قبیل شهادت‌ها و دشواری‌های مربوط به تفکیک درست از نادرست، امری که من خودم بارها در خلال این دادگاه‌ها با آن‌ها سر و کار داشته‌ام. در خلال مباحث امروز، کلیه نقاط ضعف اساسی و نقائص در طبیعت انسان - خود خواهی در بدترین شکل ممکن خود - نمایان شدند. آنها رؤس توطئه‌هایی را افشاء نمودند، که سرنگونی این دولت را محتمل می‌ساخت.

شهادت‌ها نشان می‌دهند که در بهار و تابستان سال گذشته، چه حوادثی رخ داد، که ما نتوانستیم آنرا بفهمیم. تو به یاد داری که افرادی به دفتر آمدند و در مورد جنب و جوشی غیر عادی در اطراف کاخ کرملین گفتند، درها بسته و نگهبانان تغییر داده شده بودند. اگر به یاد آوری، گفته شد که هنگ نگهبانان جدید، تقریباً به صورتی کامل، از بین افرادی از زادگاه استالین دست چین شده بودند. به نظر می‌آید که اعترافات شگفت انگیز بیان شده از سوی بوخارین، کرسیتینسکی و دیگران به توطئه‌های برنامه ریزی شده از آغاز سال 1936 اشاره دارد که بر اساس آن، برای ماه مه آینده، کودتائی دولتی تحت رهبری توخاچفسکی راه اندازی شده بود. اما دولت به سرعت و با کمال قدرت، دخالت نمود.... فاش شد که بخشی از رهبران، آلوده شده و طرح‌هایی را در برنامه اجرا داشتند که از اهداف آن، سرنگونی دولت و در واقع امر، همکاری با سازمان جاسوسی آلمان و ژاپن بود.»

ارتباط با ما

coiran21@gmail.com

گر بدین‌سان زیست باید پست

گر بدین‌سان زیست باید پست
من چه بی‌شرمم اگر فانوس عمرم را به
رسوایی نیاویزم
بر بلند کاج خشک کوچی بن‌بست.
گر بدین‌سان زیست باید پاک
من چه ناپاکم اگر نشتانم از ایمان خود، چون
کوه
یادگاری جاودانه، بر تراز بی‌بقای خاک
شعر از: احمد شاملو

مانندی گشاده می‌گردد. و دیگر چیزی که برای آن باید مُرد، هر گاه بخواهم بمیرم، بدون این که به نامحافظه بودن خود اقرار کرده باشم، موجود نیست. بر عکس تمام کارهای مثبتی که در اتحاد جماهیر شوروی با شکوه می‌درخشند، در شعور انسان تناسب دیگری را می‌پذیرند. این همان چیزی است که مرا در پایان حساب رسی به طور قطعی خلع سلاح کرد، مرا واداشت که در پیش حزب و در پیش کشور زانو بزنم ... قطعاً این، نه مربوط به یک پشیمانی ساده است و نه همدردی با خود. دادگاه می‌تواند بدون این هم رأی خود را صادر کند. اقرار متهمان الزامی نیست. اقرار متهمان یک اصل حقوقی قرون وسطائی است. اما در این جا شکست درونی نیروهای ضد انقلاب تحقق یافته است. انسان باید یک تروتسکی باشد که اسلحه را بر زمین نگذارد، این وظیفه‌ی من است که در اینجا نشان دهم، در متوازی الاضلاع نیروهائی، که تاکتیک ضد انقلاب را شکل داده‌اند، تروتسکی موتور اصلی این حرکت است. موقعیت قدرتمند تروریسم، جاسوسی، تجزیه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و خرابکاری، در خط مقدم از این منبع ناشی می‌شود. من می‌توانم از قبل تصور کنم که تروتسکی و دیگر متحدین من در این تبهکاری و همین طور انترناسیونال دوم، حتی بیش‌تر از من در این مورد با نیکولایفسکی، برای دفاع از ما، به ویژه دفاع از من، صحبت کرده‌اند. متأسفم و این دفاع را قبول ندارم، زیرا من در مقابل کشور، حزب و تمام مردم زانو می‌زنم.»

در پایان این بخش، نظر یک ناظر در دادگاه بوخارین که نه تنها تمایلی به کمونیست و شوروی نداشت، بلکه حتی در ضد کمونیست بودن او، هیچ گونه شکی نیست، آورده می‌شود. او، سفیر آمریکا در شوروی، جوزف دیویس، بود که در تمامی دادگاه‌ها شرکت داشت و برداشت‌های خود را بدون دخالت موضع سیاسی‌اش در کتاب «مأموریت در مسکو» کتبی کرده است. این نامه‌ای است به دخترش از همان کتاب، که او نیز پیش‌تر، مدت زمانی در مسکو می‌زیسته است.

«هشتم مارس 1938

املین عزیز

من هفته‌ی پیش، هر روز، در دادگاه خیانت بوخارین حضور داشتم. تو البته در نشریات در آن مورد خوانده‌ای. این یک حکایت

از سرگذرانده است ... به این جهت به این اراده نیمه فلج، این کند شدن پروسه تفک ... این ناهماهنگی بین تسریع تغییر ماهیت ما و کند شدن واکنش، بیانگر شرایط ضد انقلابی‌ایست که در گذار تحقق ساختمان سوسیالیسم در داخل رشد میکند ... یک روان‌شناسی مضاعف، خلق می‌شود ... بعضی اوقات من از خود تعجب می‌کنم، که در نوشته‌هایم ساختمان سوسیالیسم را تمجید می‌نمودم و در روز بعد، نظرم را ناشی از اعمال واقعی جنائی‌ام، از آن جدا می‌کردم. لذا چیزی از آن شکل گرفت که در فلسفه هگل، وجدان بد بخت، نامیده شده است. این وجدان بدبخت بدین جهت از وجدان عادی متفاوت است، که در همان لحظه یک وجدان جنائیست. آن چیزی که قدرت دولت پرولتری را می‌سازد، فقط آن نیست که باندهای ضد کمونیستی را از بین برده است، بلکه هم چنین دشمنانش را درونی متلاشی کرده و اراده‌ی آنان را مختل نموده است. این چیز است که در هیچ کجای دیگر وجود ندارد و در هیچ جای یک کشور سرمایه‌داری نمی‌تواند وجود داشته باشد ... پشیمانی اغلب با انواع چیزهای مطلقاً مزخرف تعریف شده است. برای مثال پودر تبتی [اشاره به داروئی است که گویا برای اقرار گرفتن از زندانی به او می‌خوراندند - توضیح نویسنده] و غیره. آن چه مربوط به من است، می‌گویم، که من یک سال در زندان بودم، کار کردم، خود را مشغول کردم و روشنائی فکرم را حفظ نمودم. از هیپنوتیزم صحبت می‌شود، ولی من در این محاکمه، خودم دفاع حقوقی خود را به عهده گرفتم، موقعیت خودم را در جا و مکانی که هستم، تشخیص دادم و با دادستان پلمیک کردم. هر کسی که در رشته‌های پزشکی، حتی تجربه زیادی نداشته باشد، مجبور خواهد بود بپذیرد که من هیپنوتیزم نشده‌ام ... اکنون می‌خواهم در مورد آن چیزهایی صحبت کنم که پشیمانی مرا باعث شده‌اند. مسلماً باید گفته شود که مدارک تبهکاری من، نقش مهمی بازی می‌کنند. در طول سه ماه من خود را در انکارهای خودم دفن کردم و در تکذیب‌ها محدود نمودم. سپس آمادگی خود را برای اقرار اعلام کردم.

چرا؟ علت این است که من در زندان، تمام گذشته‌ام را از نو مطالعه و بازاندیشی کردم. وقتی انسان از خود سؤال کند: با چه نامی از دنیا می‌روی؟ آن وقت است که ناگهان با تیزی غلبه‌کننده‌ای، پرتگاه عمیق سیاهچال



برای انتشار مخفی تراکتهای کوچک در خیابان

پیش به سوی مبارزه قهر آمیز توده‌ای به رهبری طبقه کارگر زنده باد سوسیالیسم	پیش به سوی مبارزه قهر آمیز توده‌ای به رهبری طبقه کارگر زنده باد سوسیالیسم	پیش به سوی مبارزه قهر آمیز توده‌ای به رهبری طبقه کارگر زنده باد سوسیالیسم
برقرار باد دیکتاتوری پرولتاریا جهت سرکوب سرمایه‌داران جنایت کار امروز	برقرار باد دیکتاتوری پرولتاریا جهت سرکوب سرمایه‌داران جنایت کار امروز	برقرار باد دیکتاتوری پرولتاریا جهت سرکوب سرمایه‌داران جنایت کار امروز
نظم کمونیستی ایران	نظم کمونیستی ایران	نظم کمونیستی ایران
پیش به سوی مبارزه قهر آمیز توده‌ای به رهبری طبقه کارگر زنده باد سوسیالیسم	پیش به سوی مبارزه قهر آمیز توده‌ای به رهبری طبقه کارگر زنده باد سوسیالیسم	پیش به سوی مبارزه قهر آمیز توده‌ای به رهبری طبقه کارگر زنده باد سوسیالیسم
برقرار باد دیکتاتوری پرولتاریا جهت سرکوب سرمایه‌داران جنایت کار امروز	برقرار باد دیکتاتوری پرولتاریا جهت سرکوب سرمایه‌داران جنایت کار امروز	برقرار باد دیکتاتوری پرولتاریا جهت سرکوب سرمایه‌داران جنایت کار امروز
نظم کمونیستی ایران	نظم کمونیستی ایران	نظم کمونیستی ایران
پیش به سوی مبارزه قهر آمیز توده‌ای به رهبری طبقه کارگر زنده باد سوسیالیسم	پیش به سوی مبارزه قهر آمیز توده‌ای به رهبری طبقه کارگر زنده باد سوسیالیسم	پیش به سوی مبارزه قهر آمیز توده‌ای به رهبری طبقه کارگر زنده باد سوسیالیسم
برقرار باد دیکتاتوری پرولتاریا جهت سرکوب سرمایه‌داران جنایت کار امروز	برقرار باد دیکتاتوری پرولتاریا جهت سرکوب سرمایه‌داران جنایت کار امروز	برقرار باد دیکتاتوری پرولتاریا جهت سرکوب سرمایه‌داران جنایت کار امروز
نظم کمونیستی ایران	نظم کمونیستی ایران	نظم کمونیستی ایران
پیش به سوی مبارزه قهر آمیز توده‌ای به رهبری طبقه کارگر زنده باد سوسیالیسم	پیش به سوی مبارزه قهر آمیز توده‌ای به رهبری طبقه کارگر زنده باد سوسیالیسم	پیش به سوی مبارزه قهر آمیز توده‌ای به رهبری طبقه کارگر زنده باد سوسیالیسم
برقرار باد دیکتاتوری پرولتاریا جهت سرکوب سرمایه‌داران جنایت کار امروز	برقرار باد دیکتاتوری پرولتاریا جهت سرکوب سرمایه‌داران جنایت کار امروز	برقرار باد دیکتاتوری پرولتاریا جهت سرکوب سرمایه‌داران جنایت کار امروز
نظم کمونیستی ایران	نظم کمونیستی ایران	نظم کمونیستی ایران

شیوه تفکر یک خرده بورژوا: خرده بورژوا برای هر اقدامی منافع خود را محور قرار میدهد. اگر در جنبش انقلابی شرکت می‌کند، برای این است که از جنبش به صورت ابزاری برای رسیدن به مقام و پول استفاده کند. خرده بورژوا برای رسیدن به پول و مقام روی نعش مادرش هم پا می‌گذارد و از روی آن رد می‌شود.

پرولتاریای جهان متحد شوید!

کارگران، زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی متحد شوید!
در سمت پیوند با طبقه کارگر بکوشیم!
به پیش در سمت ایجاد شوراهای کارگران و تهیدستان
حزب کمونیست راستین ایران را به وجود آوریم!
تروتسکیست‌های خائن را از صفوف خود طرد کنیم!
دغل‌کاران را از صفوف خود برانیم